زن چراغ فروزان کانون خانواده

در نظام ارزشی اسلام، خانواده از منزلت و قداست خاصی برخوردار است و در محیط خانواده، زنان مدیریت داخلی این واحد کوچک اجتماعی را به عهده دارند و در سایه تلاش آنان مشکلاتی همچون، احساس بی‏هویتی، احساس ناامنی اجتماعی، محرومیت از داشتن الگوی مناسب شخصیتی، ترس و اضطراب، بی‏هدفی، کمبودهای عاطفی و... رخت برمی‏بندد و شخصیت و ساختمان روانی سایر اعضاء خانواده شکل می‏گیرد و روح آنها تلطیف می‏شود. بنابراین، مشعل‏دار عاطفه انسانی درمحفل خانواده و در جامعه بزرگ بشری، وجود پاک و دل‏های بی‏آلایش مادران است و نقش رهبری آنها از جهت پاسداری از ارزش‏های انسانی اسلامی بسیار مهم و خطیر می‏باشد و به جرئت می‏توان گفت، بدون وجود مادری پاک نهاد، تربیت با مشکلاتی جدی رو به روست.

اگر بخواهیم جایگاه بانوی منزل را در اسلام مورد بررسی قرار دهیم، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که در نهج الفصاحه آمده را نقل می‌کنیم که فرمودند: «كلّ نفس من بني آدم سيّدٌ فالرّجل سيّد أهله و المرأة سيّدة بيتها» هر فردی از افراد بنی‌آدم سیادت و مسئولیّتی دارد، پس مرد سیّد و بزرگ و مسئول خانواده است و زن بانوی منزل و سیّده منزل خود است که البتّه منزل او منزل شوهر هم است.

در واقع اگر بخواهیم با اصطلاحات امروزی تطبیق دهیم می‌توان گفت که امور داخلی منزل با بانوی منزل است و در اسلام او به عنوان مدیر داخلی یا معاون اجرایی معرفی شده است. در یک اداره‌ نیز مدیر یا رئیس، مسئولیّت کل را بر عهده دارد، معاون اجرایی نیز موظف به نظارت بر حسن انجام کارها و پیگیری وظایف خود است. هرچند که یک نظارت کلّی از رئیس بر او هست. در خانواده نیز همین‌طور است. کلّ شاکله و نظام خانواده تحت مسئولیّت مرد است. امّا وقتی داخل منزل آمدیم اداره منزل با بانوی منزل است.

وظایف و نقش زن

بر اساس حدیث پیامبر و همین‌طور از آیه قرآن که فرمودند: «فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلغَيبِ بِما حَفِظَ اللَّـهُ» می‌توان چنین استفاده کرد که بانوان صالحه دو وظیفه بر عهده دارند:

1- پذیرش قوامیت مرد

اول اینکه خانم‌ها باید قانت باشند. قانت یعنی مطیع. یعنی حوزه مسئولیّت شوهر را پذیرا باشند؛ بپذیرند که قرآن مرد را قوّام قرار داده است. البتّه این پذیرش در فطرت بانوان هست و حتی طالب این هستند که همسرشان در امور منزل نیز دخالت و مشارکت داشته باشد. اینکه گاهی آزردگی و ناراحتی پیش می‌آید در مواردی است که غیر اخلاقی برخورد می‌شود یا مردها از حد خود خارج می‌شوند؛ بنابراین بانوان در حد معمول پذیرای مشارکت مردان در منزل هستند. این را عرض می‌کنم چرا که بر اثر تجربیات زیاد و اظهارات خود خانم‌ها می‌دانم که خانم‌ها از همسری که هیچ دخالتی در زندگی نداشته باشد ناراحت هستند. لذا آنها فطرتاً پذیرای مسئولیّت و قوامیت مرد هستند.

2- حافظ بودن

وظیفه دوم آنها این است که وقتی شوهر نبود باید حافظ باشند «حافِظاتٌ لِلغَيبِ بِما حَفِظَ اللَّـهُ». حافظ کسی است که مراقب اعمال است. از حدیث پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «و المرأة سيّدة بيتها» در کنار آیه فوق، اینگونه فهمیده می‌شود که مدیریت داخلی منزل با خانم‌ها است و آنها مسئول حفاظت از شئون آن هستند، او بزرگ خانه خودش است و باید در حفاظت از آن کوشا باشد.

ویژگی‌های حافظ بودن

برای «حافِظاتٌ» دو قید ذکر شده است که می‌بایست معنا و مفهوم آنها را بدانیم:

1- «لِلغَيبِ» : یعنی در نهان و پشت سر شوهر. پس خانم‌ها هم در حضور شوهر باید مطیع باشند و مدیریت او را بپذیرند، هم در غیبت او. نقش زن این است که در حضور شوهر قانت و پشت سر او حافظ باشد. یعنی شئون زندگی، شئون همسر، عفّت و پاکدامنی خود را حفظ کنند.

البته ذکر این نکته نیز لازم است که مدیریت با رفاقت در تعارض نیست؛ بلکه مدیریت همراه با رفاقت و محبت مؤثرتر و موفق‌تر خواهد بود و در مدیریت‌های اداری نیز ماجرا به همین صورت است. این موضوع در خانه و منزل اهمیتی به مراتب بیشتر دارد چرا که خانواده کانون محبت و مهربانی است. بنابراین مدیریت و قوّام بودن مرد با رفاقت و همدل بودن و محبّت در خانواده حاکم بودن نه تنها منافات ندارد بلکه لازم است.

2- «بِما حَفِظَ اللَّـهُ»: یعنی به آنچه خداوند حفظ کرده است. به نظر می‌آید منظور از این حفظ، حفظ کردن قوانین الهی است که بسیاری از مترجمان و مفسّران نیز همین را فرمودند. یعنی به آنچه که خدا در قانون خودش حفظ آن را خواسته است؛ امّا چه چیزی است که خدا در قانون خود حفظ کرده است و بانو هم باید آن را حفظ کند؟ جمله «بِما حَفِظَ اللَّـهُ» را به دو صورت می‌توان معنا کرد که البته تفاوتی در اصل معنا ایجاد نخواهد کرد:

زنان صالحه کسانی هستند که در نهان حافظ [شئون شوهر] باشند. در واقع حافظ آن چیزی باشند که خداوند [برای شوهر] حفظ کرده است.

یعنی خداوند در قانون الهی حقوقی را برای شوهر قرار داده است (مانند قوّام بودن) که بانوان صالحه باید این حقوق را بپذیرند؛ و حتی پشت سر شوهر نیز این قوامیّت را حفظ کند، این‌طور نباشد که بانوی منزل در برابر شوهر یک نوع عمل کند و در پشت سر او به گونه‌ای دیگری عمل کند.

زنان صالحه کسانی هستند که در نهان حافظ [شئون شوهر] هستند، به سبب آنچه که خداوند [برای زنان] حفظ کرده است.

یعنی خداوند حقوقی را برای زن در قوانین خودش حفظ کرده است (مانند اینکه شوهر باید هزینه‌های او را تأمین کند)، نقش زن این است که در قبال این حقوق،‌ او هم به قانون خدا و قوّامیّت مرد احترام بگذارد و پشت سر شوهر، همچنان حافظ شئون او، اموال او و امور زندگی باشد.

از آنجا که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ أَحسِن كَما أَحسَنَ اللَّـهُ إِلَيكَ»، همچنان که خدا به تو احسان کرده است، تو نیز به دیگران احسان کن، در آیه «حافِظاتٌ لِلغَيبِ بِما حَفِظَ اللَّـهُ» نیز (طبق معنای دوم) همین معنا مورد نظر است. یعنی همچنانی که خدا به نفع زن قوانین و حقوقی را قرار داده که مرد باید رعایت کند، حقوقی را نیز برای شوهر تعیین نموده که زن می‌بایست آنها را رعایت کند. وقتی شوهر در بیرون منزل تلاش می‌کند تا زندگی همسر و فرزندانش اداره شود و اینگونه حقوق همسر را رعایت می‌کند، زن نیز باید مسئولیت خویش را در قبال شوهر انجام دهد و در نهان و آشکار حافظ خود و شئون زندگی باشد.

اینگونه می‌توان گفت که این خانواده، خانواده‌ای است قرآنی که در آن هر دو طرف به قانون خدا احترام می‌گذارند. پس «بِما حَفِظَ اللَّـهُ» می‌تواند هم به حقوق شوهر اشاره داشته باشد و هم به حقوق زن.

اگر بخواهیم این حقوق را جمع‌بندی کنیم می‌توان گفت که اولاً مرد قوّام است و مسئولیتی در برابر زن دارد و دلایل این قوّامیّت را هم قرآن بیان کرده است. دوماً همسر او دو وظیفه در برابر این قوامیت دارد: اول اینکه قانت و مطیع باشد و حدود اختیارات و مسئولیّتی که خدا برای مرد قرار داده است را بپذیرد و به وظایف خود در برابر آن عمل کند. (که البتّه این قانت بودن در حقیقت ضمانتی برای اداره زیبای زندگی است) دوم اینکه پشت سر شوهر نیز حافظ تمام شئون زندگی و بالاتر از همه حافظ عفاف و پاکدامنی خود باشد.

پاسداری از حریم خانواده نقش زن

قبل از هر بحثی باید به این نکته توجّه کنیم که شاکله زندگی را قرآن بر اساس آرامش و موّدت و رحمت الهی تنظیم کرده است. اصل بر این است که زندگی کانون محبّت، اخلاق و عاطفه باشد، امّا قرآن کریم، هم عهده‌دار مسائل اخلاقی است و هم عهده‌دار مسائل حقوقی. اگر در جایی امور اخلاقی رعایت نشد و تخلّفی صورت گرفت، پای حقوق به میان می‌آید. پس باید موارد حقوقی هم بیان شود.

همچنان که در یک اداره اگر از طرف کارمندان تخلّفی صورت بگیرد، به مدیریت و به رئیس اداره اختیاراتی داده می‌شود که بتواند افراد تحت پوشش را به انجام وظایف قانونی خود برگرداند. لذا تا روابط اخلاقی هست نیازی به استفاده از اختیارات مدیریتی نیست و می‌توان با دوستی همه امور را پیش برد. امّا اگر جایی اخلاق شکسته شد آنجا جای اعمال قانون است. در خانواده نیز همین ‌رویه جاری است. لذا در ادامه آیه قوامیت می‌فرماید: «وَ اللّاتي تَخافونَ نُشوزَهُنَّ؛ خانم‌هایی که از نشوز آنها می‌ترسید». نشوز هنگامی است که حالت اخلاقی به هم خورده و دوستانه بودن زندگی تحت چالش قرار گرفته است.

در اینجا باید با اعمال مدیریت دوباره زندگی به سامان خودش برگردد تا به طلاق منجر نشود و زندگی از هم نپاشد. لذا در ادامه قرآن کریم به بیان اختیارات مدیر خانواده یعنی مرد می‌پردازد. البتّه در جای دیگری از سوره نساء نشوز مرد هم مطرح شده است و می‌فرماید «وَ إِنِ امرَأَةٌ خافَت مِن بَعلِها نُشوزًا أَو إِعراضًا». این آیه توضیح می‌دهد که اگر مرد گرفتار نشوز شد چگونه باید او را به انجام وظایف خود برگرداند.

مولف: شادی علی